**عنوان طرح**

**مطالعه و گونه‌شناسی نیازهای شهروندان شهر کاشان برحسب مناطق و نواحی زندگی**

**چکیده طرح**

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که در نظام برنامه‌ریزی شهری، اعتمادسازی و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، محقق نمی‌شود مگر اینکه رضایت و آرامش شهروندان از زندگی در شهر تأمین شود. از سویی دیگر، جلب رضایت شهروندان منوط به میزان و درجه شناخت از نیازهای آنان و نحوه برآوردن آن است. مبتنی بر این رویکرد است که در طرح پژوهشی پیش روی، فرآیند ارزیابی، گروه‌بندی و اولویت‌بندی نیازهای شهری (نیازسنجی) از منظر شهروندان شهر کاشان و نیز نخبگان، مدیران و مطلعین محلی با هدف نیل به سیاستگذاری شهری مطلوب به بحث گذاشته می‌شود. در یک تعریف کلی، نیازسنجی به کارگیری نظام‌مند فنون و مکانیسم‌هایی است که به کمک آن‌ها می‌توان اطلاعات مناسب را درباره نیازها گردآوری کرد و به الگوی نیازها و خواسته‌های فرد، گروه و جامعه دست یافت. هنگامی که نیازها شناسایی و اولویت‌های نیازها مشخص می‌شوند، می‌توان فعالیت‌های ممکن برای رفع آن نیازها و در نتیجه دستیابی به اهداف تعیین‌شده را براساس دانش، مهارت و منابع تعیین نمود. از این منظر، نیازسنجی همچون گامی برای عبور از «برنامه‌ریزی برای مردم» به «برنامه‌ریزی با مردم» شناخته می‌شود.

در مجموع باید افزود که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای جمعیت چندصد هزار نفری شهروندان شهر کاشان که در گروه‌های طبقاتی و منزلتی متفاوتی توزیع شده و وابستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی ایشان، نیازها، برداشت‌ها و ارزش‌های خاصی را در ذهن آن‌ها نهادینه کرده است، مستلزم اجرای نیازسنجی‌های دقیق و مداومی است که نظام‌مند و علمی باشد و بتوان از نتایج آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کرد. امروزه مدیران و برنامه‌ریزان شهری سعی می‌کنند تا با شناسایی مستمر موضوعات و مسائل مبتلابه شهرها، شرایط را برای یک زیست مطلوب و با کیفیت برای شهروندان فراهم آورند. این مهم، بدان سبب است که تنها با رضایتمندی از موقعیت و جایگاه زندگی است که چرخه اقتصاد شهر کامل شده و زندگی در آن جریان می‌یابد. بدیهی است که در این میان بهره‌مندی از پشتوانه‌ای علمی می‌تواند مسئولان و تصمیم‌گیرندگان را به سمت برنامه‌ها و اقداماتی دقیق رهنمون سازد. ارتقای سطح آگاهی مدیران و مسئولان شهرداری کاشان که می‌تواند به آنان در شناسایی و رفع مهمترین نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهر کاشان متناسب با هر منطقه و ناحیه یاری رسانده و در سیاست­گذاری، برنامه­ریزی و مدیریت مطلوب امور اجتماعی و فرهنگی اثربخش باشد.

ضرورت گام برداشتن در انجام این نوع از پژوهش‌ها به ویژه درخصوص نیازسنجی اجتماعی و فرهنگی شهر، هنگامی بیشتر محرز می‌شود که به دنبال سیاستگذاری و برنامه‌های اجرایی در میان‌مدت و بلندمدت بوده و به دنبال اطمینان از شناسایی و بررسی همه‌جانبه مهمترین مسائل شهری در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و سلامت در مناطق گوناگون یک شهر باشیم. موضوعی که کم‌توجهی به آن می‌تواند علاوه بر صرف وقت و هزینه فراوان برای نهادهای اجرایی نظیر شهرداری‌ها، پیامدهای نامطلوبی را برای شهروندان به همراه آورده و موجب کاهش سطح اعتماد عمومی و امید به آینده آنان شود.

پژوهش حاضر، درپی دستیابی به سه هدف اصلی بوده است که عبارت‌اند از: 1. شناسایی نیازهای متنوع شهروندان براساس تجربه زیسته آن‌ها در شهر (کمی)، 2. گونه‌شناسی نیازهای شهروندان براساس نقشه مناطق و نواحی شهر کاشان (کمی) و 3. فهم تجربه مدیران شهری، متخصصین و مطلعین محلی از نیازهای شهر (کیفی). در همین راستا، سطوح مطالعاتی پژوهش حاضر عبارت‌اند از: 1. مطالعه تحقیقات پیشین، مطالعات نظری، اسناد فرادستی و مأموریت‌های شهرداری، تحلیل محتوای سامانه 137، 2. پژوهش کیفی و مصاحبه عمیق با 67 نفر از مدیران، متخصصین و مطلعین محلی در مناطق مختلف شهر کاشان، 3. پژوهش کمی (پیمایش) و توزیع 1910 پرسشنامه بین شهروندان در مناطق 5 گانه و نواحی 17 گانه شهر کاشان، 4. گونه‌شناسی نیازها، توصیف و مقایسه آن‌ها در کل شهر و نیز متناسب با مناطق و نواحی و 5. تفسیر نیازهای شهر برحسب تجربه مدیران، متخصصین و مطلعین محلی.

روش تجربی مود استفاده در پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، روشی ترکیبی و از نوع طرح متوالی - اکتشافی است. درقالب این طرح، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری شده‌اند. در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از بخش کیفی شامل ابعاد هرکدام از گونه‌های نیازهای شهروندان می‌شوند که عبارت‌اند از: **نیازهای کالبدی** (1. نیازهای خدمات شهری در بعد عمرانی، 2. نیازهای خدمات شهری در بعد غیرعمرانی، 3. نیازهای خدمات شهری در بعد نیازهای ایمنی و مدیریت بحران، 4. نیازهای هویت کالبدی شهر و زیباسازی، 5. نیازهای حمل و نقل درون‌شهری و 6. نیازهای شهرسازی)؛ **نیازهای اجتماعی** (1. مهاجرت، 2. نیازهای فراغتی و تفریحی، 3. نیازهای گروه‌های خاص، 4. عدالت شهری، 5. سرمایه اجتماعی، 6. نیازهای تکنولوژیک و رسانه‌ای، 7. آسیب‌های اجتماعی و 8. هویت شهری)؛ **نیازهای فرهنگی** (1. نیازهای آموزش شهروندی، 2. نیازهای حقوق شهروندی، 3. نیازهای رفتاری و رویه‌های فرهنگی، 4. نیازهای فرهنگی کالبدی و 5. هویت ملی و محلی)؛ **نیازهای اقتصادی** (1. نیازهای حوزه گردشگری، 2. توسعه اقتصادی شهری پایدار و 3. چالش‌های اقتصادی مدیریت شهری) و **نیازهای زیست‌محیطی** (1. پاکیزگی شهری، 2. سلامت‌محوری در محیط زیست و 3. سامان‌دهی محیط زیست پایدار).

بخش کمی پژوهش حاضر با روش پیمایشی انجام شده است. روش گردآوري داده‌ها به صورت پرسشنامه و توزیع پرسشنامه ها به صورت سهمیه‌ای در تمام مناطق و نواحی شهر کاشان بوده است. برخی از نتایج بخش کمی در خصوص نیازهای شهروندان در کل مناطق و نواحی شهری و در دامنه 1-5 عبارت‌اند از: 1. میانگین **نیازهای کالبدی و شهرسازی**، برابر با 98/3 است (بیشترین میانگین در منطقه دو و کمترین آن در منطقه پنج). 2. میانگین **نیازهای اجتماعی و فرهنگی** برابر با 95/3 است (بیشترین احساس نیازدر منطقه دو و کمترین آن در منطقه پنج). 3. میانگین **نیازهای محیط زیست و سلامت** برابر با 68/3 است (بیشترین احساس نیاز در مناطق یک و سه و کمترین آن در منطقه پنج). 4. میانگین **نیازهای عمران شهری** برابر با 53/3 است (بیشترین میانگین در منطقه یک و کمترین آن در منطقه سه). 5. میانگین **نیازهای حمل و نقل و ترافیک** برابر با 45/3 است (بیشترین میانگین در منطقه یک و کمترین آن در منطقه پنج). 6. میانگین **نیازهای ایمنی و مدیریت بحران** برابر با 24/3 است (بیشترین میانگین در منطقه یک و کمترین آن در منطقه چهار). نتایج برحسب نواحی و قیاس آن‌ها در طرح آورده شده است.

**محمد گنجی**

**مجری طرح**